شهرآرا
SHAHRARANEWS.IR
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir
اشنبه
سال شانزدهم
۱۶ دی ۱۴۰۳
۴ رجب ۱۴۴۶
شماره ۴۴۰۱
روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع‌رسانی
صاحب امتیاز شهرداری مشهد
مدیرمسئول سید میثم موسوی‌مهر
سردبیر سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸۱-۵
نمابر ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹
سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

اول شخص

اعتبار بیهوشی که جان گرفت

یادی از دکتر محمداسماعیل تشید، پدر بیهوشی نوین ایران که ۱۶دیماه سال۱۳۹۰ از دنیا رفت



نویسنده آزاده چشمه سنگی

طرح والو بدون بازگشت

چند بار ی نفس عمیقی می‌کشد، سینه‌ای صاف و سعی می‌کند لرزش توی دست‌هایش را پنهان کند. بارها توی خوابگاه همه چیز را تمرین کرده اما حالا انگار یک بمب ساعتی توی دستش نگه داشته باشد، با لرزشی بی‌سابقه آرام آرام به اتاق آقای فورگر نزدیک می‌شود. خودش را هر طوری که هست جمع‌وجور می‌کند و به هر زحمت، دوبار به در اتاق می‌کوبد. وارد می‌شود. آقای فورگر با همان ژست همیشگی، با اشاره دست از او می‌خواهد تا بنشیند، اما حجب و خجالت و استرس مجال نمی‌دهد. همین‌طور باعجله، طرح را روی میز آقای فورگر می‌گذارد به انضمام یک کادوی نفیس نقره به یادگار از هنردست ایرانی. آقای فورگر کمی عینکش را روی صورتش جابه‌جا می‌کند. طرح را از روی میز برمی‌دارد و سری تکان می‌دهد. این همان نقشه «والو بدون بازگشت» است که بارها حرفش را زده‌اند. یک ابداع تازه برای بیهوشی خردسالان که پس از روزها و شب‌های بسیار، روی کاغذ آمده و حالا محمداسماعیل دانشجو هیچ مطمئن نیست که دارد کار درستی می‌کند یا نه، اما بالاخره هرچه باشد آقای فورگر اولین سازنده دستگاه بیهوشی بود و اصلا یک خط تولید برای اختراعش توی آمریکا داشت. او برای خودش یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های متخصص در زمینه بیهوشی بود و هیچ‌کس نداند، او حتما ارزش این اختراع را خواهد شناخت. چند دقیقه بعد محمداسماعیل تشید در حالی که دست‌های دکتر فورگر را به گرمی می‌فشارد از اتاق خارج می‌شود. دکتر فورگر به او قول داده خیلی زود طرح را مطالعه می‌کند. از آن لحظه انگار بار سنگینی از شانه‌هایش برداشته باشند، سبکبال و آرام از اتاق بیرون می‌آید و بعد از آن کارش می‌شود انتظار یک ماه، دو ماه، سه ماه... این مابین فقط یکی دوباری می‌رود کارخانه و توضیحات بیشتری به آقای فورگر می‌دهد، اما هنوز خبری از تأیید طرح و خط تولید نمی‌شود. انتظارها بیهوده است. او حالا دیگر باید به ایران برگردد. دوره تحصیلات تکمیلی‌اش تمام شده و حالا در شرایطی که انگار یک تکه از وجودش را توی دفتر آقای فورگر جا گذاشته باشد، به طرف فرودگاه حرکت می‌کند.

تحول بی‌سابقه در تخصص بیهوشی

دکتر تشید حالا در مقام یک متخصص بیهوشی فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های آمریکا به ایران برگشته و با دست پر وارد دانشکده پزشکی شده. اما اوضاع اسفناک‌تر از تصور اوست. در شرایطی که او مدام در معرض مقاله‌های به‌روز و تکنیک‌های نوین بیهوشی در جهان



قرارداشت، حالا سری به اتاق‌های عمل در ایران می‌زند و آنچه می‌بیند، باورنکردنی نیست. انگار بیهوشی به مفهوم مدرن آن در ایران تعریفی ندارد. «رستم‌خان»، پای ثابت اتاق‌های عمل است! او را می‌شود توی بیمارستان پهلوی سابق پیدا کرد. اصالتش برمی‌گردد به روسیه. می‌ایستد کنار دست جراح و عین دوانویس‌های محلی، قطره قطره اتر را می‌چکاند توی دهان بیمار. دو سه نفر دیگر هم دست و پای بیمار را می‌گیرند تا از روی تخت نیفتد. رستم‌خان نه پزشک است نه حتی پرستار! اصلا با دنیای پزشکی بیگانه است. اتفاقی که دارد توی اتاق‌های عمل می‌افتد یک فاجعه به تمام معناست. دکتر تشید آمده با یک بغل کتاب و جزوه و مقاله و اوضاعش درست شبیه به آدمی است که بخواهد با یک کلنگ معمولی، کوه بزرگی را بتراشد. پس بی‌معطلی آستین‌هایش را بالا می‌زند و شروع می‌کند به ترجمه مقالات بین‌المللی و کتاب‌های معتبر جهانی. آن سال اولین کتاب خودش را با استفاده از ترجمه مقالات روز دنیا و تجربیات شخصی منتشر می‌کند. کتابی که عنوان بهترین کتاب سال را به خود اختصاص می‌دهد، اما یک سال بعد که به عنوان رئیس درمانگاه، وارد هیئت علمی دانشگاه تهران می‌شود، تازه می‌تواند آن‌طور که مطلوب دل اوست، در حوزه پیشبرد تخصص بیهوشی در ایران فعالیت کند؛ به طوری که رزیدنت‌ها را به‌اجبار می‌فرستد بیمارستان‌های تخصصی نظیر قلب و کودکان و زنان و بعد از دوسال برای به‌روزکردن دانسته‌هایشان، راهی انگلستان یا آلمان می‌کند تا مدتی را در محیط‌های معتبر علمی سپری کنند. دکتر تشید از سال ۱۳۴۹ که به عنوان مدیر گروه چشم پزشکی دانشگاه تهران منصوب شد، تصمیم گرفت قانون تازه‌ای در آموزش وضع کند به طوری که شرط ارتقا به مقام استادیاری، سپری کردن یک دوره آموزشی تئوری و عملی در یک دانشگاه معتبر خارجی باشد. به این ترتیب چیزی نزدیک به هشت استادیار بیهوشی در دوره مدیریت او استخدام شدند. حالا دیگر متخصص بیهوشی نه یک تکنیسین درجه۲ در بیمارستان که یک متخصص در سطح دیگر پزشکان تعریف می‌شود.

افتخارات، ابداعات و اقدامات

اوضاع علمی در دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها کمی جان گرفته و خیال دکتر تشید از بابت آموزش نیروها آسوده‌تر است. اما هربار به خاطره دکتر فورگر فکر می‌کند، خستگی تمام این سال‌ها به تنش می‌ماند. او تنها دو سال پس از آنکه به ایران برگشت، به واسطه یکی از دوستان خود که به‌تازگی به ایران آمده بود، متوجه می‌شود آن طرح تقدیمی به دکتر فورگر حالا دارد به نام دوتن از متخصصان آمریکایی در بازار عرضه می‌شود. او زمانی با دکتر فورگر در آمریکا تماس گرفت که دیگر در قید حیات نبود. آن یهودی اخراجی که از آلمان به آمریکا پناهنده شده بود، مثل آب خوردن طرح او را به نام خود و دوستانش ثبت کرده بود و حالا دست دکتر تشید به جایی بند نبود، اما این ناکامی او را هرگز مأیوس نکرد. حتی بیش از گذشته به خود ایمان آورد که بالاخره چیزهایی هست که به ذهن او می‌رسد و ممکن است حتی استادان بالادستی او هرگز به آن فکر نکرده باشند. بنابراین به موازات مسیر پرفرازونشیب تدریس و بهبود اوضاع بیهوشی در ایران، همچنان دست از ابداعات و اقدامات تازه خود برنداشت؛ ابداع نوع خاصی از تیغه لارنگوسکوپ و ساخت آن از سوی کشور آلمان، استفاده از ونتیلاتور انگستروم برای اولین بار در ایران، ابداع داروی پتیزوسین و چاپ آن در مجله بیهوشی انگلستان، تخصیص یک شماره از مجله **MEJ** برای مقالات متخصصان ایرانی و برنامه‌ریزی جهت تأسیس **ICU** در ایران تنها گوشه‌ای از خدمات دکتر تشید در طول سال‌ها خدمت او بود. با این همه دکتر محمداسماعیل تشید سرانجام در ۱۶دی ماه سال۱۳۹۰ در تهران درگذشت در حالی که به عنوان تأثیرگذارترین چهره حوزه بیهوشی در تاریخ پزشکی ایران ماندگار شد.

منبع: گفت‌وگو با دکتر محمداسماعیل تشید از سوی دکتر محمدرضا درودیان و زهره آشوری



دمای هوای مشهد
رطوبت هوا ۵۳٪
۹° ↑ -۲° ↓
صبح ۳ ظهر ۸
عصر ۴ شب ۲

اوقات شرعی مشهد
اذان ظهر ۱۱:۳۷:۰۳ نیمه شب شرعی ۲۲:۵۲:۰۰
غروب آفتاب ۱۶:۳۰:۴۴ اذان صبح فردا ۰۵:۱۳:۲۲
اذان مغرب ۱۶:۵۱:۰۱ طلوع آفتاب فردا ۰۶:۴۳:۲۲

جوروواجور

نسل فردا، نسل هوش مصنوعی است؟

با آغاز سال ۲۰۲۵ اخبار بسیاری منتشر شده مبنی بر اینکه نوزادانی که در این سال تا سال ۲۰۳۹ متولد می‌شوند جزو نسل بتا خواهند بود. حتما عبارت نسل زِد (Z) بارها و بارها به گوشتان خورده است. کسانی که نسل بعدی آن‌ها یعنی آلفاکنارشان زد و حالا نوبت به نسل بتا رسیده است. نسلی که کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند بیشتر از نسل‌های قبل درگیر هوش مصنوعی و فناوری‌های مختلف خواهند شد.

نسل بتا عمدتا مشخصات زیر را خواهند داشت:

- دنباله نسل آلفا (متولدین ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۴) هستند.
- تا سال ۲۰۳۵ آن‌ها ۱۶ درصد جمعیت جهان را تشکیل خواهند داد.
- والدین آن‌ها جوان‌تر از نسل وای (Y) (هزاره‌ها) و بزرگ‌تر از نسل زِد (Z) خواهند بود.
- بسیاری از آن‌ها قرن بیست‌ودوم را خواهند دید.

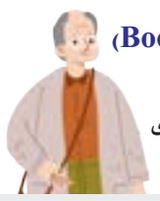
«جیسون دورسی» محققی که درباره نسل‌ها پژوهش می‌کند، می‌گوید نسل بتا زندگی خود را بسیار متفاوت از نسل آلفا آغاز خواهد کرد. این‌ها دنیای همه‌گیری کرونا را ندیده‌اند و بسیاری از آن‌ها تا قرن بیست‌ودوم زندگی می‌کنند. همچنین به گفته او، در دوران نسل بتا، احتمالا دستگاه‌های هوشمند و هوش مصنوعی کاملا جا می‌افتند و به‌راحتی در دسترس خواهند بود. همچنین تغییرات آب‌وهوایی و گرمایش زمین پیامدهای مستقیم‌تری بر زندگی آن‌ها خواهد گذاشت. از نظر سیاسی نیز وقتی نسل بتا به سن قانونی برسد، به سیاست‌مداران نسل زِد (Z) یا جوان‌ترهای نسل وای (Y) رأی خواهند داد. وجه اشتراک نسل‌های زِد (Z) آلفا و بتا شبکه‌های اجتماعی خواهند بود. البته مطمئناً در دوران نسل جدید، شبکه‌های اجتماعی تغییرات زیادی خواهند کرد.

جدول سنی نسل معاصر

نسل خاموش
بازه زمانی تولد: ۱۹۲۵ تا ۱۹۴۵ میلادی
سن: ۸۰ سال به بالا



بومرز (Boomers)
بازه زمانی تولد: ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۴ میلادی
سن: ۶۱ تا ۷۹ سال



نسل ایکس (X)
بازه زمانی تولد: ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹ میلادی
سن: ۴۶ تا ۶۰ سال



نسل وای (Y)
بازه زمانی تولد: ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴ میلادی
سن: ۳۱ تا ۴۵ سال



نسل زِد (Z)
بازه زمانی تولد: ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۹ میلادی
سن: ۱۶ تا ۳۰ سال



نسل آلفا (Alpha)
بازه زمانی تولد: ۲۱۰۰ تا ۲۰۲۴ میلادی
سن: زیر ۱۵ سال



نسل بتا (Beta)
بازه زمانی تولد: ۲۰۲۵ میلادی به بعد



برای مطالعه بیشتر درباره این موضوع در سایت دیجیاتو، کد را اسکن کنید.

روایت

نسل مضطرب



سیدمحسن موسوی‌زاده
روزنامه نگار

«اضطراب؛ تردید ناباوری و بیم، بی‌یقینی همراه با بدگمانی» این‌ها بخشی از احساساتی است که دهه‌شصتی‌هایی که اکنون به میان‌سالی رسیده‌اند، در دوران زندگی تجربه کرده‌اند.

دهه شصتی‌ها همان نسلی هستند که بدیهی‌ترین امکانات امروز برایشان در دوران کودکی آپشن اضافی محسوب می‌شد. مانند لوازم‌تحریر مناسب و حق تفریح و بازی کردن. نسلی که گویا به دنیا آمده بودند تا تمام کودکی‌شان را صرف مسابقه خواندن کنند و شادی را به آینده موکول نمایند.

نسلی که بدیهی‌ترین امکانات را با ممنوعیت‌ها لمس کرد! برای همین همواره احساساتش بین خواستن و بیم و نگرانی در حال نوسان بود.

این نسل کنکور و رسیدن به دانشگاه‌ها را با رقابت فشرده تجربه کرد به امید ارتقای اجتماعی در آینده‌ای نه چندان دور، اما با پایان تحصیلات متوجه شد شرایط تغییرات زیادی کرده است.

در شرایط جدید مدارک بالاتر یک گزینه کوچک در میان ده‌ها گزینه بزرگ دیگر برای رشد و ارتقای اجتماعی بود. همین مسئله سبب شد تا این نسل برای به‌دست آوردن موقعیت شغلی با یکدیگر وارد رقابتی سخت و حتی بی‌رحمانه شوند. رقابتی که برای آن‌هایی هم که توانسته بودند شغل نسبتا مناسبی به دست آوردند همچنان ادامه داشت، زیرا بیم و اضطراب حاکم بر روح این نسل نشان می‌داد که نمی‌توانند با دو دو تا چهارتا کردن آینده را بنگرند.

دهه‌شصتی‌ها نسلی هستند که اضطراب بر آن‌ها فرمان می‌راند. آن‌ها با بیم نرسیدن، به‌دست نیاوردن و از دست دادن بار آمده‌اند و انگار با بیم بافته شده‌اند. پس نمی‌توانند دلی زندگی کنند و دمی را آسوده بگذرانند.

با این حال برای بسیاری از دهه‌شصتی‌ها، کودکی‌شان تبدیل به نوستالژی شده است. برای همین هست که این روزها فضای مجازی پرشده از نوستالژی‌بازی‌های دهه۶۰ و به نمایش درآوردن انواع و اقسام وسایل بازی. فیلم‌ها و کارتون‌های خاطره‌انگیز. این روزها در کنار اخبار گرانی، تورم و تبدیل شدن خرید مسکن و خودرو به آرزو، انتشار مطالبی مبنی برافزایش سن بازنشستگی، کمبود احتمالی امکانات درمانی در دوران کهولت دهه‌شصتی‌ها و ده‌ها مورد دیگر سبب شده تا نسلی که کودکی تا میان‌سالی را در اضطراب گذرانده آینده را هم وهم‌آلود تصور کند، اما به‌راستی چرا دهه‌شصتی‌ها با وجود سختی‌هایی که در دوران کودکی متحمل شده‌اند، آن دوران را تبدیل به نوستالژی کرده‌اند؟

واقعیت این است که زمان همیشه زمان از دست رفته است؛ گذشته‌ای خوش که تنها فایده‌اش نمایان کردن مشقت‌های اکنون است.

ناامیدی امروز دهه‌شصتی‌ها را حسرت کمال گذشته است که توجیه می‌کند. زمانه ما را سرخورده، مأیوس و خشمگین می‌کند چون می‌توانیم آن را با زمانه‌ای دیگر مقایسه کنیم؛ زمانه‌ای عادلانه‌تر و زیباتر، کامل‌تر و تجربه شده.

زمانه‌ای که می‌توانی بر خلاف آینده با آن گزینشی رفتار کرده و قسمت‌های خوشش را دست‌چین کنی. آری این نسل مضطرب زیسته برای تسکین دردهایش به نوستالژی‌سازی دوران کودکی و نوجوانی‌اش روی آورده تا شاید مرهمی بر زخم‌های حال و آینده احتمالی‌اش باشد.

عکس روز

سوگواری برای سردار به شیوه عراقی‌ها

گروه‌های مردمی عراق در محل شهادت سپهبد «قاسم سلیمانی» و «ابو مهدی‌المهندس» در فرودگاه بین‌المللی بغداد به شیوه‌های متفاوت یاد این دو شهید را گرامی داشتند. هنرمندان نقاش به خلق آثار هنری و هنرمندان موسیقی به اجرای سمفونی‌های سوگواری پرداختند. همچنین مراسم گل‌آرایی تصاویر دو شهید و روشن کردن شمع نیز از سوی مردم عراق برگزار شد.



برای مشاهده گزارش تصویری کد را اسکن کنید.

عکس: محمد حسن صلواتی
شهرآرا

حکایت

بهشت و سبک بالی

توانگر زاده‌ای را دیدم بر سرگور پدر نشسته و با درویش بچه‌ای مناظره در پیوسته که صندوق تربت پدرم سنگین است و کتابه رنگین و فرش رخام انداخته و خشت پیروزه در او به‌کار برده. به‌گور پدرت چه ماند خشتی دو فراهم آورده و مشتی دو خاک بر آن پاشیده. درویش بر این بشنید و گفت: تا پدرت زیر آن سنگ‌های گران بر خود جنبیده باشد پدر من به بهشت باشد.

مرد درویش که بار ستم فاقه کشید
به در مرگ همانا که سبک بار آید
به همه حال اسیری که ز بندی برهد
بهتر از حال امیری که گرفتار آید

گلستان سعدی

برگرفته از کتاب «خواندنی‌های ادب فارسی» که به‌کوشش علی‌اصغر حلبی گردآوری شده است.